

اعلام برنامه و فراخوان

آنها که زنده اند

«در آستانه ی بیستمین سالگرد فاجعه ی تابستان ۶۷»
یادمان کشتار زندانیان سیاسی ایران در دهه ی شصت

دست هایم را در باغچه می کارم
سبز خواهم شد
می دانم، می دانم، می دانم...

در آستانه ی بیستمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی ایران در تابستان سال ۶۷ هستیم؛ فاجعه ای که به تنهایی می توانست و می بایست ملتی و بلکه جهانی را در اندوه و حیرت و خشم، از کابوس هولناک «واقعیت» بیدار کند و به چاره جویی و همبستگی و پیکار فراخواند. اما دریغ و درد که در جغرافیای جنوبی سرزمین ما، این یگانه فاجعه نبود و بلکه تنها نماد تلخ و سیاهی بود از روند فجایع و کشتارهای سیاسی سال های تاریک و خونین دهه ی شصت. به همان سان که عریانی و قساوت آن، به سان تصویر بی واسطه ای از ماهیت جمهوری اسلامی، نماد شوم و قاطعی بود از تدارک و تداوم فجایع آینده. فجایعی که مردم میهن ما در اشکال گوناگون در زندگی هر روزه ی خود تجربه می کنند و به دشواری بتوان دامنه و ابعاد آنها را بر شمرد.

و باز دریغ و افسوس که در جغرافیای ناهمگون زمین، این کشتار سازمان یافته و دهشت بار، بدون هیچ پرسش، کند و کاو، روایت و دادخواهی، در میان انبوه فجایع دیگر، در هیایوی دنیای مجازی رسانه ها و در هزرتوی بیگانگی «مصرف کنندگان خاموش» گم شد. تو گویی «زمین» به فاجعه خو کرده است و این خود بی گمان بزرگترین فاجعه ی «زمان» خواهد بود. اما «جان» های شریفی که در تابستان ۶۷ و سال های پیش از آن، بی باکانه و با چشمان باز، مرگ را پذیرا شدند، بی گمان «عاشق ترین زندگان» بودند. چرا که حیات پرشور و مرگ بلندشان، همواره امید به زیستن و باور به انسانیت و دنیایی «دیگرگون» را تداوم بخشیده است.

بر ماست که با بازخوانی و روایت سرگذشت آنان، که پاره ای زنده و ملموس از کابوس زندگی جمعی ماست، روند کنونی تاریخ میهن مان را دریابیم. باشد که با بازشناسی سرشت بنیادین واقعیت های شومی که از هر سو ما را احاطه کرده اند و همچون دیوارهای بلند زندانی به وسعت یک «سرزمین»، راه نور و جنبش و رشد را بر همگان بسته اند، امکانات «رهایی» را جستجو کنیم. باری، از این منظر، یادمان و بازخوانی فاجعه ی کشتار ۶۷، تنها ورق زدن برگ های فراموش شده ای از تاریخ معاصر و ادای دینی به گذشتگان نیست؛ بلکه بیش از آن وظیفه ای است برخاسته از ضرورت شناخت ریشه های «بحران» کنونی و دلایل بازتولید آن و از این رو تعهدی است نسبت به سرنوشت خود و مسؤلیتی انسانی در برابر «زندگان» و آیندگان. نیل بدین منظور بدون شک، عزم و تلاشی جمعی را می طلبد. **کانون ۶۷** (جمع مستقلی از جوانان و دانشجویان و فرزندان جان باختگان) در نظر دارد، با برگزاری یادمانی در این خصوص و بازخوانی این فاجعه، به سهم خود گام کوچکی در راستای اهداف یاد شده بردارد. ما دست تمام انسان های آزاده را برای هرچه پربار تر بودن این یادمان می فشاریم و در انتظار دیدگاه ها، پشتیبانی و حضور شما هستیم.

« اعلام برنامه »

سخنران ها و برنامه ی هنری :

دادخواهی، تلاشی برای امروز / رضا معینی، فعال حقوق بشر
یاد آن تابستان / دکتر محمد رضا نیکفر، نویسنده و پژوهشگر
باوری دگر در مورد موضوع دادخواهی / مرجان افتخاری
روایتی از 67 / مهدی اصلانی، یک شاهد عینی

راهکارهای حقوقی برای دادخواهی در عرصه بین المللی و داخلی / پژمان سلیم، حقوقدان جوان مقیم لاهه و از فرزندان جان باختگان
دهه ی 60

روایتی ناتمام / کانون 67

مرثیه ی شکفتن / کانون 67

بحث و گفتگوی آزاد پیرامون بازخوانی و دادخواهی کشتارهای دهه ی 60

و

موسیقی اعتراض / اجرای زنده ای از تپش 2012 و شاهین نجفی (ما مرد نیستیم)

زمان برگزاری : شنبه 30 آگوست (اوت) 2008 ساعت 16:00 تا 20:30

مکان: کلن - آلمان، مرکز انترناسیونالیستی کاریتاس، اشتولز اشتراسه، شماره ی 1a

(Internationales Zentrum der Caritas- Stolzstraße 1a, 50674 Köln)

شماره تماس : 01762153992 (0049)

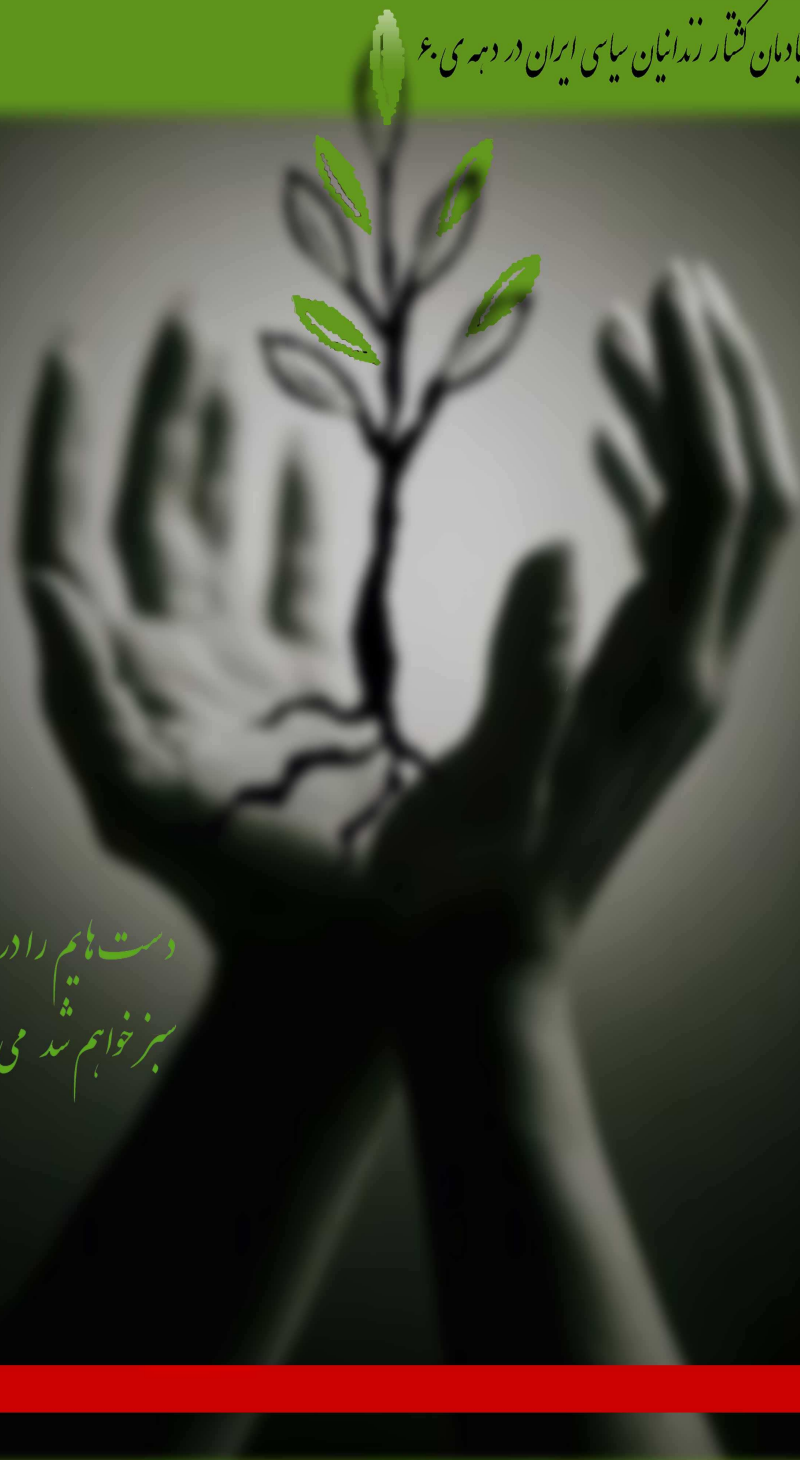
ایمیل: kanoon67@gmail.com

آدرس سایت: www.tabestan67.com

آن ها که زنده اند

در آستانه بیستمین سالگرد فاجعه تابستان ۶۷

فراخوان شرکت در یادمان کشتار زندانیان سیاسی ایران در دهم می ۶۰



دست هایم را در باغچه می کارم
سبز خواهم شد می دانم می دانم می دانم ...

زمان برگزاری : شنبه 30 آگوست (اوت) 2008 ساعت 16/00
مکان : کلن - آلمان، مرکز انترناسیونالیستی کاریتاس
Internationales Zentrum der Caritas - Stolzstraße 1a, 50674 Köln

کانون ۶۷ :

www.tabestan67.com

تماس با ما :

kanoon67@gmail.com